

یاد نامه تقی زاده

بمناسبت وفات سید حسن تقی زاده

تقی زاده و مشروطیت

سناتور دکتر شفق

اسکن شد

یاد نامه تقی زاده

بمناسبت وفات سید حسن تقی زاده

تقی زاده و مشروطیت

سناتور دکتر شفق

بمناسبت وفات سید حسن تقی زاده

در انجمن آثار ملی - در مجلس سنا *

سناتور دکتر رضازاده شفق استاد ممتاز دانشگاه را درباره تقی زاده مقاله ای است و خطابه ای؛ مقاله در شماره یازدهم مجله یغما سال دوازدهم (۱۳۴۸) چاپ شده ، و خطابه ، هم در مجلس یاد بود تقی زاده در انجمن آثار ملی (۱۸ اسفند ۱۳۴۸) ایراد شده و هم در مجلس سنا (چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۴۸) . نخست خطابه و سپس مقاله نقل می شود . سه شنبه شب هفتم بهمن ماه یک هزار و سیصد و چهل و هشت شمسی یکی دیگر از همکاران ارجمند ما و از خدمتگزاران نامی میهن ما یعنی سید حسن تقی زاده رخت از این سرای گذران بر بست و به رحمت خدا پیوست .

در ظهور انقلاب مشروطیت یعنی بسال ۱۳۲۴ قمری روزی در «دبستان پرورش» تبریز که ما دانش آموز آنجا بودیم دائی زاده وهم درس من مرحوم رضا پاکنیا خبر آورد که در يك مهمانی منزل حاج میرزا آقا فرشی، سیدی جوان بنام سید حسن تقی زاده بادوست و خویشاوندش محمد علیخان تربیت که تازه از سفر قفقاز و مصر برگشته اند سخنانی در باب مشروطه و عدالت و آزادی می گفته اند . نخستین بار بود که نام تقی زاده را می شنیدم . باز دیگر نام او را از یکی از پیران معارف و بنیان گذاران تجدد ایران یعنی سید حسین خان عدالت در صحبتی که در دبستان به ما می کرد شنیدیم . بسی نگذشت نام تقی زاده زبانزد مردم گشت و این خطابه هم در مجلس سنا ایراد شده ، و هم در انجمن آثار ملی .

همانسال از تبریز بنماینده‌گی مجلس اول برگزیده شد و بتهران رفت و در کوتاه زمان آوازه نطق‌ها و کارها و کوششهای او در سراسر کشور گسترش یافت و نامش ورد زبانها شد .

تقی زاده نود و دو سال شمسی عمر کرد و دست کم هفتاد سال آن پراز حوادث و شور و آشوب و فعالیت بی آرام براو گذشت و شرح آنهمه را کتبی بزرگ لازم است و من در این موقع و در این مجلس محترم مختصری از آنچه از آن رادمرد از دریچه چشم خودم مشاهده کردم و یا از مردمان موثق ، که بعضی آنان بحمدالله زنده اند، شنیدم بروجه نمونه و نشانه معروض میدارم :

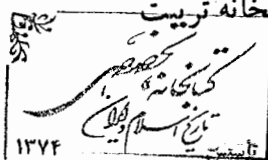
در سال دوم مشروطه که مجلس بفرمان محمد علیشاه بتوپ بسته شد و آزادی خواهان برخی بشهادت رسیدند و برخی متواری شدند و تقی زاده بادوستانی نظیر مرحوم دهخدا بخارج ایران پناه برد بلافاصله در بحبوحه انقلاب تبریز که مجاهدان برای اعاده مشروطیت قیام کرده بودند ناگهان به تبریز آمد و زمام امور ملی را بدست گرفت، و درانجمن ایالتی نطفی متهورانه و آتشین ایراد کرد ، و درحضور ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار، مجاهدینی را که از حدود مجاهدی خارج می شدند سخت سرزنش کرد و الحق در آن آشوب کاری خطیر انجام داد.

در سالهای جنگ جهانی اول که بین ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ میلادی اتفاق افتاد تقی زاده انجمنی مرکب از آزادیخواهان ایران دربرلین تأسیس کرد که هدف آن دفاع از حقوق ایران و مبارزه باسیاست استعماری انگلیس و روسیه تساری بود . سال دوم جنگ تقی زاده توسط دوست مرحوم رضاتریت مرا که دراستانبول در شبانه روزی کالج امریکائی یعنی رابرت کالج^۱ سرگرم تحصیل بودم ببرلین خواند با استفاده از تعطیل تابستان به آنجا رفتم، دو ماه در آنجا ماندم و رساله ای نیز بعنوان جنگ جهانگیر

نوشتم که چاپ شد ولی چون سال اخیر دوره کالج را می گذراندم با این که به همکاری دعوت شده بودم نماندم و در آخر تابستان بکالج باز گشتم. تقی زاده با همکاران خودش مانند سید محمد علی جمال زاده و مرحومان میرزا محمد خان قزوینی، محمود غنی زاده، میرزا حسین خان کاظم زاده ایران شهر، مهندس عزت الله هدایت، ابراهیم پورداود، و دیگران بکار و کوشش خود ادامه می دادند. از آنجمله مجله سیاسی و ادبی کاوه را براه انداختند و در ضمن کتابها و رسالاتی هم منتشر ساختند که یکی از آنها رساله «کشف تلبیس از سیاست انگلیس» نام داشت و گویا نویسنده آن خود تقی زاده بود. این رساله از اجحافات سیاسی انگلیس آن زمان نسبت بحقوق ایران بحث می کرد. غیر از آن دوماه تابستان، بار دیگر در مجلس دوره پانزدهم و درسای اول و چهارم و انجمن آثار ملی و شورای فرهنگی سلطنتی بانقی زاده افتخار همکاری داشتم.

در هر صورت تقی زاده را از نخستین روزگار جوانی خود شناختم و با اینکه غیر از آنچه اشاره کردم با او معاشرت نزدیک و همکاری نصیب نشد، و شاید در مواردی اختلاف سلیقه هم پیش خود احساس می کردم در این موقع که تقی زاده بدعوت حق لیبک گفت و بکاروان گذشتگان پیوست و یک عمر فعالیت مستمر او پایان یافت بر خود وظیفه می دانم از آنچه از او دیدم یا از مردان معتمد شنیدم حقایقی برای بقای نام او و عبرت بازماندگان معروض دارم.

تقی زاده در طول عمر پر مد و جزر خودش مدام و بی آرام در دو مسیر علمی و سیاسی قدم زد. در جوانی بر حسب سنت خانوادگی به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در آن ساحت مقامی بلند بدست آورد، و زبان خارجه و نجوم و مقدمات طب را هم مکتوبات علمی خود ساخت، و در همان زمان بفعالیت سیاسی و آزادیخواهی پرداخت و در عین حال به تأسیس یک انجمن معارف و گسترش دانش و تأسیس کتابخانه تربیت



و نشر مجله «کنجینه فنون» اقدام کرد، در همان روزگار با تمام اشتغال و پرکاری در هر فرصت بمطالعه می پرداخت. روزانه یکی دو روز نامه خارجی را بدقت می خواند و مجله الهلال چاپ مصر را قرائت می کرد. روزی بما می گفت برای این که فارسی زبان ملی خود را خوب بدانید باید عربی را خوب بیاموزید، و در یک ملاقاتی چند نسخه الهلال و یک کتاب عربی به نام «الیهودی التائه» تألیف اوژن سو (Eugène Sue) (که بعداً توسط آقای رهنما تحت عنوان «یهودی سرگردان» بفارسی برگرانده شد) بمن داد و توصیه کرد آن کتاب را هم بمنظور آموزش عربی و هم از نظر مطالب بدقت بخوانم و به همشاگردان خودم هم توصیه کنم.

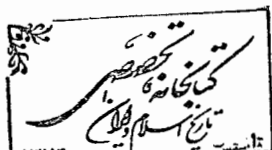
شوق عظیم مطالعه و تحقیق و نشر فضایل در تمام عمر پرماجرایی سیاسی او دمی او را ترك نکرد و در عین اشتغالات مهم سیاسی نظیر عضویت مجلس و سنا و استانداری و وزارت و سفارت تا فرصتی بدست آورد بدانش و ادب پرداخت. شرح تألیفات و مقالات تحقیقی او را که در گیر و دار سیاست تدوین کرد فرصتی دیگر باید. مقالات اجتماعی و سیاسی و ادبی مجله کاوه و رسالاتی به انگلیسی و آلمانی در تقویم و نجوم و نیز کتاب «گاه شماری» در همان موضوع، و مقالات تحقیقی او در باب فردوسی و ناصر خسرو و تاریخ عرب و تاریخ علم و کتاب «از پرویز تا چنگیز» و خطابه های او راجع به مانی و مشروطیت ایران و بیست مقاله او از انتشارت بنگاه ترجمه و نشر کتاب و نظایر اینها جمله نمودار تنبّع موش کافانه و پژوهش و روش علمی است، و توان گفت پس از کار خاور شناسان معروف مانند «نلدکه» آلمانی و «براون» انگلیسی؛ نخستین ایرانیان میرزا محمدخان قزوینی و تقی زاده بودند که این روش را در ایران گسترش دادند و راهنمای طرز تحقیق نوین شدند.

تقی زاده در کار دقت و موشکافی به حد و سواس پیش می رفت و در این روش غیر از میرزا محمدخان قزوینی همتا نداشت و اگر خودش در

اثر گرفتاریهای گوناگون تألیفات بیشتری را نتوانست بوجود آورد
تعداد زیادی از دیگران و جوانان را به مطالعه و تحقیق و تألیف و تشویق
کرد .

روش تقی زاده در مسائل سیاسی و حد اعلای میهن پرستی و تنفر
شدید او نسبت به نفوذهای نامشروع بیگانگان و خدمات برجسته او در
این راه مسلم است. در امور مالی تقوای او بحد افراط می رسید و کسی
که مصدر کارهای مهم کشور و از آنجمله وزارت دارائی توأم با اقتدار
بود تا چند سال پیش يك خانه مسكونی نداشت و فقط با كمك حاج حسین
ملك كه زمینی بقیمت ارزان باو هدیه كرد و تیمسار سپهبد آقاولی كه
آن زمین را به بهای مناسب برای بانك از او خرید، دارای مسكنی شد .
در این موضوع امانت او حاجتی باستشهاد نیست ولی قوی را كه مرحوم
عبدالحسین اورنگك ، كه خود از فضلای زبان آور این کشور بود، روزی
در رادیو اعلام كرد نقل می كنم: در ملاقاتی كه وی با محمدعلی شاه در
«اودسا» بجای آورد محمدعلی شاه باو گفته بود تقی زاده هرگز زیر بار
قبول هدیه و كمك مالی، كه باو تكلیف شد، نرفت .

امانت، ادب و عفت از خصایص او بود، و در همه عمر کسی كلمه ای
ناشایسته و بدگوئی از او نشنید . در قول و فعل خود راسخ و معتدل بود .
وقت شناسی و پیمان نگهداری را بشدت رعایت می كرد . در برابر پیش
آمدها بدرجه حیرت آور خود داری و بردباری نشان می داد و هرگز خود
رانمی باخت. در دوسه سال اخیر زندگیش كه چنان مرد فعال تیزرو را اسیر
سكون كرد باز از كار و كوشش باز نمی ایستاد و تا آخرین هفته حیاتش
تا می توانست در مجامع مانند انجمن آثار ملی و كتابخانه سنا روی
صندلی گردون خود حاضر می شد و با رنج بیماری وضعف پیری قهرمانانه
مبارزه می كرد . در گفتار معمولی غیر از موارد سخنرانی كم حرف و
كوتاه سخن بود و در روایات و اظهار عقیده اهتمام وافر داشت سخنی



بگزاف نگوید. زندگیش نمونه نظم و ترتیب بود.

پس از جلسهٔ اخیر که رئیس محترم سنا سخنان ارزنده در تذکر خدمات تقی زاده فرمودند همکار محترم آقای دشتی با تأثیری محسوس از این صفت او مخصوصاً در دوره ریاست سنا و از مقام علمی او مطالبی جالب باینجانب فرمودند. تقی زاده با آنهمه فعالیت‌های برجسته خود که در همهٔ عمر از خود نشان داده بود حتی یکبار از خود و کارهای خود سخن به میان نیاورد و ادعائی نکرد. رازداری و کم حرفی او بحدی بود که شخص در کوچکترین مطالب هم مجبور می‌شد از او باصرار و تکرار بپرسد تا پاسخی ستاند.

بمیراث ادبی و علمی و تاریخی ایران علاقه‌ای فوق العاده داشت و از تغییرات بی رویه در عذاب بود مخصوصاً در حفظ زبان فارسی از اینگونه تغییرات نابجا تعصبی وافر ابراز می‌کرد.

تقی زاده از عطیهٔ جاذبه برخوردار بود و از روزگار جوانی دوستان و پیروان صدیق فداکار پیدا کرد و بعضی از آنان مانند مرحوم میرزا علی محمدخان تربیت در راه همکاری با او جان سپردند. تقی زاده با وجود کمال شدت که در مبارزه های سیاسی داشت آنچه از خودش و دوستان نزدیکش شنیدم هرگز به آزار کسی فتوی نداد. ناچار حقایق در طی زمان روی صفحات تاریخ ثبت و ضبط می‌گردد و حق از باطل شناخته می‌شود «یمحو الله مایشاء ویثبت وعنده ام الكتاب».

از صفات بارز تقی زاده که نیز می‌تواند سر مشق جوانان کشور گردد این بود کسی او را ندید و نشنید که وقتی از اوقات خود را با بطلت گذراند، او تمام ساعات زندگی را جدی می‌گرفت و تا می‌توانست از فرصت‌ها استفاده می‌کرد و از لغو بیهوده اعراض داشت و برآستی از کسانی بود که می‌شود دربارهٔ آن گفت «والذین هم عن اللغو معرضون».

تقی زاده در وزارت دارائی خود نظمی نوین برآورد و هزینه کشور داد برخی از رجال محترم که از همکاران او بودند درایت و کفایت

و دقت او را با تقدیر و تحسین متذکرند . در آن دوره اعلیحضرت مرحوم رضاشاه کبیر توجه و عنایت خاص نسبت به تقی زاده و کار او داشتند . عواطف و الطاف اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر نیز همیشه شامل حال او بود و در آخرین شرفیابی اعضای شورای فرهنگی سلطنتی که نزدیک بیكسال پیش وقوف یافت شاهنشاه اجازه فرمودند تقی زاده در همان حال نشستگی شرفیاب شود و شخصاً در برابر او توقف فرمودند و آن مرحوم را با نوازش و ستایش شاهانه مورد مهر خاص همایونی قرار دادند .

در ذکر از احوال تقی زاده خدمات ارزنده و وفاداری و فداکاری همسرش را نباید فراموش کرد مخصوصاً در سنوات اخیر بیماری در آن شبهای تار تنهایی و بی یاری او یار وفادار او بود و وظیفه يك زن حق- شناس مهربان را به بهترین وجهی انجام داد و رنجهای پیایی بیماررداری را تحمل کرد .

اگر در پایان این عرایض که محض ادای حق خدمت يك ایرانی بزرگ معروض افتاد از من بپرسند صفات سید حسن تقی زاده را در سه کلمه خلاصه کنم بیدرنگ می گویم :

امانت ، دقت و تقوی .

درود بروان آن مرد بزرگ باد .

تقی زاده و مشروطیت*

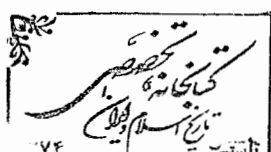
دوست فاضل محترم آقای ایرج افشار از بنده درخواست کردند مقاله‌ای انتقادی در باب خطابه علامه بزرگوار آقای تقی زاده راجع به تاریخ اوائل انقلاب و مشروطیت ایران که در سه قسمت بتاریخ ۲۹ دی ماه و ۶ و ۱۲ بهمن ماه ۱۳۳۷ در باشگاه مهرگان ایراد فرمودند و جزو انتشارات باشگاه مهرگان چاپ شد، و آن خطابه الحق فصل الخطاب آغاز نهضت مشروطیت ایرانست، مقاله‌ای انتقادی برشته تحریر در آورم. در پاسخ این پیشنهاد عرض کردم که خطابه‌ها و نوشته‌های آقای تقی زاده حتی در باب مرویات مستند بدقت و تحقیق است تا چه ماند به مرئیات ایشان که مصداق آن این خطابه اخیر است، و مرا هرگز یارائی موشکافی در آن موضوع نیست مگر اینکه بخواهم چند کلمه‌ای مستند به مشهودات خودم راجع بخود آقای تقی زاده که در نهضت مشروطیت ایران سهمی بسزا داشته‌اند و در خطابه ایشان تقریباً مسکوت گذاشته شده بنویسم، آن هم نه برای جلب عاطفت ایشان که الحمدلله از آن برخوردار هستم، بلکه برای عبرت و انتباه جوانان که هیچوقت از هادی و سرمشق بی‌نیاز نتوانند بود. و در این باب جز دیباچه‌ای فهرست مانند و غیر از ملاحظات می‌چند نتوانم گفت، زیرا شرح زندگانی پرحادثه و پرشور آقای تقی زاده کتاب مفصل خواهد و امید- چنین کتابی در زمان حیات ایشان- که ان شاء الله دراز باد - تدوین گردد.

* نقل از شماره یازدهم سال دوازدهم مجله یغما (سال ۱۳۳۸)

در فجر انقلاب روزی در «دبستان پرورش» که اکنون مدیر روشن ضمیر آن دکتر رضا پرورش در استانبول بشغل طبابت مشغول است^۱ از دائی زاده عزیزم مرحوم رضا پاکنیا بروایت از قول برادر کهنترش مرحوم محمدعلی پاکنیا، شنیدم که سیدی جوان بنام تقی زاده بهمراهی جوانی دیگر بنام تربیت که تازه از مسافرت مصر برگشته اند در منزل مرحوم «حاج میرزا آقای فرشی» مهمان بوده و سخنان تازه و نامعمولی در باب معارف و مشروطیت و آزادی کشور و ملت از ظلم و استبداد می گفته اند. این اولین بار بود که نام تقی زاده را شنیدم و چندی بعد باز اخباری جسته جسته از همین سنخ در باب او میان دانش آموزان زبانزد شد، و نام او در ضمیر ما همه نقش بست، و نادیده ارادتی خالصانه نسبت باو پیدا کردیم: و عشق الاذن قبل العین احیاناً! چرخ زمان گردش خود را ادامه داد و نهضت مشروطیت که سید حسن تقی زاده از بنیان گذاران آن بود توسعه پیدا نمود و در ۱۳۲۴ هجری قمری از طرف مردم به نمایندگی نخستین مجلس ملی ایران انتخاب شد، و از همان سال فعالیت های دامنه دار پرشور و خطیر عمر پراز سوانح او آغاز گشت که حتی ذکر فهرست آنها وظیفه دشواری خواهد بود.

عمر نخستین دوره مجاهدات تقی زاده در مجلسی که نطق های بلیغ و آتشین او و تکمیل قوانین و تحکیم مبانی مشروطه ایران از جمله آن مجاهدات بود با عمر مجلس که در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ بمباران شد پایان رسید، و تقی زاده معجزه آسا توانست باعده ای از سایر آزادی خواهان نظیر مرحوم دهخدا و مرحوم امیر حشمت نیساری از خانه کسریه ای کوچک پشت مسجد سپهسالار به سفارت انگلیس پناه برد، و از جلادان

۱- دوسه سال بعد برحمت خدا پیوست.



بی رحم محمدعلیشاه که همکاران او را مانند ملك المتكلمين و میرزا جهانگیرخان و حاج میرزا ابراهیم و سید جمال الدین بخون آغشته بودند، رهایی یابد.

تقی زاده بلافاصله بخارج ایران رفت و در قفقازیه و انگلستان کوشش های زیادی در راه خلاصی ایران از چنگ استبداد و از نفوذ دولتهای استعماری بکاربرد تا در همان سال ۱۳۲۶ یعنی در ظهورشورش آذربایجان تحت قیادت ستارخان سردار ملی و محاصره شدن تبریز از طرف دولت روس مآب محمدعلی شاه خودش را به تبریز رسانید، و در آنجا با سران انقلاب انجمن کرد، و آنچه امکان داشت در رهبری آنان بذل جهد نمود.

در آن ایام آوازه يك نطق او که در محل انجمن ایالتی و در میان جنگاوران و مجاهدین ایراد کرد و بعض مجاهدین متعدی را از تعرض و تجاوز نسبت بمال و جان مردم سخت نکوهش نمود، در تمام محافل تبریز منعکس شد، و بخاطر دارم محصلین مدارس که من یکی از آنها بودم از این اقدام او که مستلزم خطر جانی بود چطور تقدیر و تحسین می کردند. زیرا در آن روزها که هر کس گناه انس و جان و وبال اولین و آخرین را بگردن «مستبدین» می انداخت و نمی شد به «مجاهدین» و «آزادیخواهان» گفت بالای چشمتان ابروست، این انتقاد سخت و شجاعانه تقی زاده تعجب آور بود و تأثیری عظیم در افکار عمومی کرد، در صورتی که همان ایام چندتن از همان «مجاهدین» دروغی مرحوم سید حسن شریف زاده را بر سر اغراض خصوصی هدف تیر قرار داده بودند.

انقلاب آذربایجان که بادادن قربانی های زیاد داشت منتهی بکامیابی می شد، بواسطه محاصره شدن شهر و بروز قحطی و گرسنگی در سال ۱۳۲۷، و با مداخله روسیه تزاری، و وارد شدن نیروی نظامی آن دولت به آذربایجان بظاهر به بهانه رفع محاصره تبریز، و در بساطن بمنظور

حمایت دولت استبدادی محمدعلی شاه، روبرو باناکامی گشت، و تقی زاده از تبریز به تهران رفت و روسها در آذربایجان مستقر شدند، و در عاشورای سال ۱۳۳۰ هجری بود که با کردار خونین و حشیانه خود یکی از ادوار فجیع تاریخ ایران را بوجود آوردند، و نخبه پیشوایان ملی ایران را که از آن جمله شهید سعید میرزا علی ثقة الاسلام اعلی الله مقامه باشد بر سر دار شهید کردند.

در فاصله این سنوات تقی زاده در تبریز و تهران در راه برگرداندن اوضاع و اخراج قوای روسی و خاتمه دادن به جنگ داخلی، شبان و روزان می کوشید، و با مجاهدین و آزادیخواهان همکاری می کرد. از فجایح این دوره کشته شدن معلم جوان امریکائی موسوم به «بسکرویل» در فروردین ۱۳۲۷ بود، که خود من از شاگردان او بودم. این جوان پرشور که در مدرسه امریکائی تبریز معلم تاریخ بود در مشاهده جانبازی ورنج و محنت مردم تبریز بی اختیار به آزادیخواهان پیوست، و به جنگ رفت و کشته شد. او نسبت به تقی زاده عقیده وافر داشت و در سردرس نسام او را می برد. بر سر مزار او و در حضور صدها مجاهد و اولیای مدرسه و ما شاگردان و دوستان او بود که تقی زاده در خطابه مؤثر خود گفت «امریکای جوان در شخص بسکرویل جوان يك قربانی به مشروطه جوان ایران داد».

بسال ۱۳۲۸ هجری تقی زاده باردیگر از خاک وطن مسافرت نمود و این دفعه نیز در استانبول با سران ایرانی و اعضای «انجمن سعادت ایرانیان» اقداماتی برای جلب عواطف بین المللی به اوضاع ایران بعمل آورد. سپس بلندن رفت و در آنجا با مرحوم پرفسور «براون» و سایر دوستان ایران در راه رفع بحران مجاهدت ورزید، و بعد در سال ۱۳۳۱ هجری با آمریکا رهسپار شد. و چون جنگ اول بین المللی در ۱۹۱۴

میلادی شروع شد بمنظور استفاده از اوضاع و ادامه فعالیت از امریکا به آلمان آمد و در آنجا انجمنی از وطن پرستان ایرانی از قبیل سید محمد - رضا مساوات ، و سید محمدعلی جمال زاده، و میرزا محمود غنی زاده ، و ابراهیم پور دآود، و کاظم زاده ایرانشهر، و علامه میرزا محمد قزوینی، و اشرف زاده، و امیر خیزی و امثال آنان تشکیل داد. منظور اصلی این انجمن استفاده از ظهور يك نیروی سوم - یعنی آلمان - و خنثی ساختن نفوذ نامشروع دولتین روس و انگلیس در ایران بود .

درین مدت (مخصوصاً بین سنوات ۱۹۱۶ و ۱۹۲۲ میلادی) بود که مجله کاهه در برلین زیر نظر تقی زاده تأسیس شد که هدف عمده دوره اول آن سیاسی، و دوره دوم آن ادبی و اجتماعی بود. در این موقع یعنی سال ۱۹۲۲ میلادی تقی زاده بموجب مأموریتی که از طرف دولت به وی داده شد برای عقد قرارداد اقتصادی با دولت شوروی به مسکو عزیمت کرد ، و مدت ۱۸ ماه در آنجا بماند. بعد از مراجعت به برلین در ۱۹۲۴ میلادی به تهران رفت و در مجلس شورای ملی که در هر دوره از تهران به عضویت آن انتخاب می شد ، شرکت نمود . بسال ۱۹۲۶ برای ریاست و اداره غرضه ایران در نمایشگاه بین المللی فیلادلفیا بامریکا عزیمت نمود، و از آنجا بتاريخ ۱۹۳۱ میلادی بایران برگشت ، و بمجلس رفت؛ و در این موقع از طرف اعلیحضرت فقید به استانداری خراسان تعیین شد و در راه اعاده آسایش مردم زلزله زده آنجا ، که در آن سال گرفتار شده بودند، کوشش های فراوان نمود. و همان سال به وزارت فواید عامه و راه و بعد از چهار ماه بوزارت دارائی منصوب گشت .

میان مطلعین مشهور است که تا آن زمان چنان ترتیب و انتظام در دارائی ایران از قبیل سر وقت تأدیه شدن حقوق ها ، و حفظ تعادل روزانه دخل و خرج ، و جلوگیری از اجحاف ، و نظایر آن وجود نداشته است .

در ۱۹۳۳ میلادی تقی‌زاده بعنوان سفیر ایران در فرانسه، و بعد در انگلستان بفعالیت خود ادامه داد، و در بحران سیاسی ۱۹۴۶ میلادی و اشغال شمال ایران از طرف شوروی ریاست هیئت نمایندگی ایران را در شورای امنیت بعهدہ گرفت، و در همان سال از طرف مردم آذربایجان به نمایندگی مجلس پانزدهم انتخاب شد. در واقع وی در اولین و پانزدهمین مجلس نماینده آذربایجان، و در بقیه منتخب مردم تهران بود. تقی‌زاده بایران آمد و در مجلس شرکت جست و بعد بعصویت و ریاست مجلس سنا انتخاب گشت؛ و سرانجام از ریاست استعفا کرد و بعصویت اکتفا ورزید و اکنون در آن سمت باقیست.



توأمّاً با فعالیت سیاسی تقی‌زاده فعالیت علمی ایشان بسی جالب است و اهتمام به هر دو قسم فعالیت که ایشان مستمراً بعمل آورده اند الحق قابل ستایش و حیرتست. ایشان در دوران جوانی علوم اسلامی را قریب باجتهاد فراگرفتند و در عین حال به تحصیل طب و نجوم و زبانهای خارجی پرداختند، و در اولین مدرسه جدید تبریز یعنی «لقمانیه» بتدریس پرداختند، و کار تعلم و تعلیم را ادامه دادند، و در تمام عمر مشغول تحقیق و مطالعه و تحریر و تألیف بودند، و توان گفت در نهضت تحقیقی و انتقادی عصر ما که مشاهیر مستشرقین آنرا پی نهادند مرحوم میرزا محمد خان قزوینی و تقی‌زاده را باید پیشرو محققین ایرانی در این فن دانست. فضیلتی معاصر مقالات اجتماعی مجله کاه، و سلسله مقالات ادبی بامضای «محصل» را در همان مجله خوانده، کتاب «گاه شماری»، مقدمه دیوان ناصر خسرو چاپ تهران، خطابه‌های راجع به مانی، و رسالات در باب نجوم را که به زبانهای خارجی بقلم ایشان تألیف یافته، و نظایر آنها را کما بیش دیده و به عمق نظر و پایه تحقیق و مایه علمی ایشان پی برده‌اند؛ و شرح آن ما را

بدر ازا می کشاند ، و چنانکه در ابتدا اشارت نمودم منظور ذکر فهرست ماندنیست از مجاهدات ایشان نه تفصیل و ذکر اقدامات ایشان ، ولی در این موقع باید بگویم که این همه آثار از تراوش های شخصیت تقی زاده است ، و جا دارد قبل از پایان مقال ، برخی از صفات بارز او را که خود تجربه کرده و دریافته ام و شاید نظر عمده من از این مقاله جلب توجه جوانان بهمان صفات باشد ، ولو باختصار و بروجه مثال ذکر کنم ، و این معانی را که در نتیجه مشاهده از دور و نزدیک در احوال ایشان دیده ام و بصدق گفتار خود عقیده دارم به رشته تحریر در آورم .

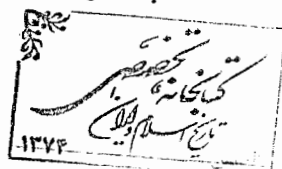
۱- تقی زاده در زندگی جسدی است و کار را به بی کاری ترجیح میدهد ، و کسی از معاشرین ایشان در همه عمر روزی را سراغ ندارد که ایشان وقت را با بطالت و لهو و لعب گذرانده باشند ، و الحق می توان ایشان را در زمرة « الذین هم عن اللغو معرضون » بشمار آورد .

۲- رعایت وقت و ميعاد و امانت بتمام معنی از صفات ذاتی ایشانست و دارای فضیلت « الذین هم لا مانا لهم و عهدهم راعون » و متصف بصفه حق شناسی و حق گذاری هستند .

۳- استمرار در تحقیق و مطالعه ، و شوق وافر بکسب و نشر دانش ، و حوصله بی پایان در جستجوی حقایق با وجود حافظه سرشار و نیروی احاطه که ایشانراست ؛ سر مشق هر جوینده ای تواند شد .

۴- در نطق و تحریر هرگز پی زینت الفاظ و عبارات نمی گردند ، و گاهی در قالب الفاظ و ترکیبات ساده معانی بسیار عالی بیان می کنند ، و اغلب گفتار ایشان با تمثیلهای مناسب مشحونست .

۵- وطن پرستی واقعی و تعلق خاطر بفرهنگ و زبان ایران ، و دین اسلام ، و تشویق و راهنمایی جوانان به مطالعه و کسب فضیلت ، و تحریض اصحاب به توسعه معارف ، شیمه دائمی ایشانست .



۶- ادب و متانت و عفت و احتراز از نمایی و غیبت، و در عین حال بی‌باکی در موارد انتقاد، از تجاوز و دفاع از حق را، از خواص اخلاقی تقی‌زاده توان شمرد.

۷- نه افراط می‌کند نه تفریط، نه بی‌اندازه احساساتی است نه بی‌لزوم طرفدار منطق خشک، نه در بدبینی و انتقاد راه مبالغه می‌پیماید و نه درستایش و موافقت دور می‌رود، نه جانماز آب کشیدن ریائی را می‌پسندد و نه فرنگی مآبی دو آتشه را.

۸- درشاید و آفات عمومی و شخصی هر گز متانت و بردباری و خونسردی را از دست نمی‌دهد و متزلزل و آشفته نمی‌گردد و مانند اقیانوسی آرام امواج بلایارا از خود می‌گذراند.

۹- با اینکه در استدلال و قضاوت بسیار قوی است مشاجره و مناظره راه نمی‌اندازد. ملایم صحبت می‌کند و اگر مورد اعتراض نابجا گردد غالباً از مقابله بمثل خود داری می‌کند و تأثر خود را ظاهر نمی‌سازد.

۱۰- خدمات و مجاهدات صادقانه و بدون تظاهر تقی‌زاده نسبت به ملک و ملت ایران بی‌شک نمونه‌های بارز خدمتگزاری واقعی توأم با فضیلت و تقوی است، و آنچه درین باب در کتب و اخبار آمده مختصری است از مفصل، گرچه خود تقی‌زاده تا کنون نه جمله‌ای در آن موضوع بزبان آورده و نه کلمه‌ای نوشته.

۱۱- اگر تألیفات تقی‌زاده بحکم اشتغالات و گرفتاریهای گوناگون نسبت به سعه معلومات و تجربیاتش کم است، و از طرف دیگر چه در دوره انجمن ادبی برلین و چه بعد از آن، واسطه و مشوق تألیفات زیادی از دیگران شده و وسائل طبع و نشر آنها را فراهم ساخته و از این راه بطور معتنا، به مدارك علمی کشور ما افزوده است.

۱۲- فعالیت لاینقطع سیاسی و علمی و ادبی تقی زاده توأم با تقوی و فضیلت و بردباری و با مقابله با سوانح و دشواری که فهرست آن در این مختصر مذکور افتاد بحقیقت باید سرمشق جوانان نامدار نامجوی ما باشد و ما همه از خداوند بزرگ مسئلت کنیم روزگار حیات سودمند خدا پسند تقی زاده را طولانی فرماید تا در افاضات خود پایدار و برخوردار گردد.

